

## || بحثی درباره فلسفه احکام ||

(۲)

از تطبیق برخی آیات قرآن مجید با پارامای از علوم و کشفیات جدید نیز این نتیجه زبان آور پیدا میشود. مثلاً موضوع منظومه شمسی و حرکت زمین بدور خورشید. توضیح اینک:

از هنگامیکه بوسیله گالیله و کپرنیک و سایر ریاضی دانان و دانشمندان علوم طبیعی قرون جدید، عقیده پتلیوس درباره حرکت خورشید بدور زمین، که مورد قبول دنیای قدیم بود، مردود شناخته شد، باید اینکه در اینجا با مخالفت شدید کلیسا و طرفداران عیث پتلیوس مواجه گردید، کم کم عده دانشمندان طبیعی و ستارهشناسان، و پس از آن دانشمندان الهی، پیرو عقیده گالیله شدند، و اکنون عقیده گردش زمین بدور خورشید جهانی شده است. چنانکه پیش از گالیله نیز عقیده گردش خورشید بدور زمین جهانی بود.

تا اینجا موضوع کابلا عادی است. اختلاف در مسائل و موضوعات گوناگون علمی در قرون مختلف و در میان دانشمندان جهان امری است طبیعی. ولی آنچه در این میان از نظر دین و قرآن زبان آور میباشد آن است که برای نشان دادن اجبار قرآن در رسد بر آئیم که آیات قرآن را با اینگونه علوم و کشفیات علمی با پارامای منطبق سازیم. و چون غالباً این عقاید و فرضیه های علمی دانشمندان در تفریب و تبدل است. حتی گاهی در یک جا، و در یک زمان ممکن است در این نوع مسائل چندین عقیده و فرضیه مخالف میان دانشمندان جهان وجود داشته باشد. مثلاً گاهی از آیات قرآن مجید برای عقیده و نظریه های دلیلی آوریم. و گاهی از همان آیات برای نظریه مخالف استدلال کنیم.

چنانکه درباره حرکت زمین و خورشید همین منحن کابلا صادق است. در زمانی متجاوز از هزار سال مسی از قرآن دلیلی آوردند که خورشید بدور زمین میگردد. اکنون نیز گروه دیگری آیات قرآن مجید را دلیل بر حرکت زمین میدانند. و از راه قرآن عقیده علمانی امروز را درست می شمارند.

این کار در زمین اینک هیچ لزوم و ضرورتی ندارد (تطبیق آیات قرآن بر علوم جدید) ممکن

است. خاطر برخی از مردم ساده را خشنود سازد. و موجب اعجاب و تحسین آنان گردد. ولی اینگونه تفسیرات و تطبیقات بی تمین برای جوانان امروز کسانی که با علوم و صنایع جدید سروکار دارند، با نتیجه زبان آور است و موجب شدن منتقادات دینی و مبنای اعتقادی آنان و پیداشدن راه حمله و اعتراض برای مخالفان میشود.

موضوعاتی که در قرآن وارد شده است

باید باین نکته اساسی توجه داشت که قرآن شریف که کتاب آسمانی آخرین پیامبران است مخصوص مردم بشر و کشور و اقلیم همین یا نژاد و طبقه بی خاص یا زمان و مکان و عصری محدود نمیشد. و مانند کتابهای افراد انسان درباره علم و صنعت یا تاریخ و داستان یا علم اخلاق و فلسفه و علم اجتماع و یا حتی علوم دینی و احکام و مقررات مخصوص دسته بندی شده که هر فصل و بخشی از آن درباره موضوعی همین باشد. نیست و نباید چنین باشد زیرا اغلب اینگونه موضوعات و مسائل همواره موافق گذشت زمان و تحول و تکامل افکار و عقاید بشر در تفریب و دیگر گونی است. در صورتیکه آنچه در قرآن آمده است. هیچگاه در آن تغییر و اختلافی پیدا نمیشود و مخصوص زمان و مکان و اقلیم و مردم خاصی نیست.

قرآن کریم مشتمل است بر پایه های از اصول احکام و عبادات دین اسلام و برخی از مسائل علمی و اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی و مقداری از داستانهای آموزنده پیامبران و حکایات عبرت آمیز اقوام و ملل پیشین. و نمونه های از مظاهر زندگی انسان و جانوران و امثال جاری زنده و وارزنده و سایر اینها که برای تمام افراد بشر از عالم و علمی و از مردم دیر و نوامروز و از طبقات گوناگون دینیین و غیر دینیین و بیرون جوان و زن و مرد قابل درک و فهم و عمل کردن است و این خود یکی از عجایب بزرگ و دسهل و ممتنع، قرآن عظیم است.

آما در باره علوم و صنایع و آیین زندگی راه بی زبانی قرآن کریم مردم را تشویق و تحریک کرده است که دنبال دانشهای سودمند بروند. و آنچه را در هر زمان و مکان برای زندگی انسانی لازم است فرا گیرند و کار برند ولی چون علوم انسانی و آیین زندگی و مسائل فرهنگ و تمدن و آداب و عبادات در هر زمان و مکانی تغییر پیدا میکند چه بسا آیینها و رسوم که در نزد مردمی پسندیده و نزد مردم دیگر نکوهیده است.

و باز چه بسیار است عادات و آدابی که در زمانی خوب و در زمان دیگر زشت شمرده میشود. و نیز چه بسا از فرضیه ها و اصول علمی که سالها دانشمندان جهان بدانها عقیده داشتند و پس از گذشت زمان دانشمندان قرون بعد آنها را نادرست دانسته اند. از این و قرآن مجید که کلام

خدای علیم است نباید بر چنین موضوعات و مسائل ناستواری مشتمل باشد. قرآن حقایق و معارفی را در بر دارد که با گذشت زمان و تغییر و تبدل تمدنیها و فرهنگها و تحول و تکامل مفرها و اندیشه‌ها هیچگاه کوچکترین تغییری در آنها راه نمی‌یابد و فروغ ستارگان درخشندگی آن یکسان و جاویدان است.

شد مبعول آب این جو چند بار \* عکس نام و عکس اختر برقرار  
در پایان این گفتار، شایسته است باین اعتراض که ممکن است در ذهن بعضی از اهل اطلاع روح بافته باشد پاسخ داده شود و دفع و دخل مقدره گردد.

اعتراض این است که اگر نباید فلسفه و علل احکام بیان شود چرا بر شیخ اعظمای بزرگه از قبیل فقیه و عالم بررگوار، شیخ مسوق، کتابی بنام «علل الشریع» نوشته‌اند و چرا گاهی در شرح احوال امامان علیهم السلام بجز و حدیثی بر می‌خوریم که در آن از دهن امام‌علت و فلسفه حکمی از احکام بیان شده است؟  
جواب این است که:

۱. عده بسیار معدودی از علما در باب علل احکام کتاب نوشته‌اند و این موضوع هیچگاه مانند سایر موضوعات دینی از قبیل فقه و حدیث و اصول فقه و تفسیر میان علمای بزرگه اسلام رواج نیافت و از همان ابتداء شاید بر این همان نکته‌ای که بدان اشاره شد دانستند ان اسلامی، این موضوع را دنبال نکردند.

بر فرض درست بودن اخباری که در آن فلسفه حکمی بیان شده است که قطعاً باید بوسیله متخصصان حدیث‌شناسی خبر تأیید شود) گویند: فلسفه و علت حکم امام است که از جانب پیغمبر سخن گفته و آشنا ملت واقع بود و استماع و مطالبات و مطالبات و مطالبات و مطالبات

۳. آنچه موجب نگارش این مقاله گردید و در حقیقت تکلیف کلامی بود این است که نباید ملتزم شویم که برای هر حکمی علتی بیان کنیم و گوییم در حدیث آمده است که فلسفه هر حکمی را بدست آوریم ولی اگر گاهی علت و فلسفه پاره‌پاره احکام بطور روشن معلوم باشد یا از پیغمبر و امامی که آگاه از حقایق و علل احکام و شرایع است، فلسفه حکمی ذکر شود، آن‌ها می‌پذیریم و در همان حدی که علت بیان شده است ما بزر آن را بیان نمی‌کنیم و این قسمت با آنچه نوشتیم که نباید برای فهمیدن و بیان علل و فلسفه همگی احکام و عبادات خود را ملتزم کنیم و گاهی بذكر علل و مناسباتی بپردازیم که موجب نقص و ایراد و سستی عقاید شود. منافات ندارد.